

کاش سازمان مبارزان بلوچ برای آزادی ایران بود



کیا کیامهر

خبر ترور دادستان انقلاب زابل، دل بسیاری از داغ دیدگان این رژیم را شاد کرد. موسی نوری قلعه نو، دادستان انیرانی زابل که همچون سایر دادستانها و قاضی‌های انقلاب، دستش به خون جوانان برومند میهن آغشته بود، با شلیک چندین گلوله کشته شد تا درس عبرتی باشد برای امثال قاضی صلواتی‌ها، که دستینه آنها به زیر برقه اعدام و نابودی هزاران جوان به خون خفته، نقش بسته است.

این واقعه که می‌توانست مایه شور و نشاط و همدلی مابین ایرانیان گردد با شنیدن نام گروهی که مسئولیت ترور این فرد را بر عهده گرفته بود، مبدل به اندوهی بزرگ و سرشار از تأسف گشت.

گروه "جیش العدل" که حتا نام خود را به زبان عربی (همچون گروه‌های وابسته به القاعده) انتخاب کرده است مسئولیت این ترور را به عهده گرفته و در بیانیه‌ای دلیل آن و حرکت‌های بعدی خود را، پایان بخشیدن به حضور نیروهای سپاه پاسداران در سوریه و رفع ظلم و ستم از مسلمانان سنی مذهب سیستان و بلوچستان اعلام کرده است.

افسوس می‌خوریم که میبینیم باز هم بجای اندیشیدن به آزادی ایران و ایرانی و بجای برطرف کردن ستم از اهالی سیستان و بلوچستان و همه ایران، این گروه هدف خود را حفاظت از مسلمانان سنی مذهب می‌داند و نه خاتمه دادن به کشتار سازمان یافته ۳۴ ساله رژیم از جوانان و زنان مردان ایرانی.

سیستان و بلوچستان همیشه جایگاه پهلوانان و سلحشورانی بوده و هست که آزادی همه ایران را در سر داشته اند. یعقوب لیث صفاری که طاهریان را به خاطر وابستگیشان به خلفای بغداد از اریکه قدرت به زیر آورد و در راه سربلندی ایران شمشیر کشید، همچون نگینی در تاریخ ایران میدرخشد. این خطه، خطه بزرگان و گرد آوران است و همچون جای جای ایران، میتواند پهلوانان و سرداران بزرگی را برای نجات و یکپارچگی ایران تقدیم تاریخ کند.

افسوس می‌خوریم که هزار سال پیش، سردار میهن پرستی همچون یعقوب خان صفار، برای رهایی ایران - تمامی خاک ایران، نه تنها پاره‌ای از آن - از ستم و خلافت اسلامی بغداد شمشیر می‌کشد و هزار سال بعد گروهی از همان خطه، بجای آزادی ایران از شر حکومت دینی، می‌خواهد به بهانه رفع ستم از اهل سنت و پشتیبانی از مسلمانان سوریه، گردن بند بندگی خلفای عربستان و یا القاعده را به گردن مردم ستمدیده و دربند سیستان و بلوچستان افکند. افسوس می‌خوریم که صد سال بعد از درخشش شیرانی همچون ستارخان و باقرخان که جانانشان را برای سربلندی ایران و ایرانی بر کف گرفته بودند، گرگان خاکستری برای تجزیه ایران و در خدمت بیگانگان سر بلند میکنند.

شادمان می‌شدیم اگر که می‌دیدیم که این بار نیز از این خطه پهلوان پرور، گروهی سر برآوردند که بجای ترویج بندگی درگاه پادشاه عربستان و القاعده، به آزاد سازی میهن و سایر هم میهنانشان که به مانند آنان در چنگال این سپاه دلان ریاکار اسیرند می‌پرداختند و هدف مبارزات خود را خود را نه حفاظت از مسلمانان سنی در سوریه یا هر جای دیگر، بلکه آزادی ملت ایران قرار می‌دادند.

شادمان می‌شدیم (و همچنان خواهیم شد اگر ببینیم) اگر می‌دیدیم که فرزندان ستارخان و باقرخان به جای بندگی بیگانگان از لباس گرگ درآمده و همچون شیر برای سربلندی ایران و ایرانی می‌خروشیدند. و ایکاش ترور کنندگان این دادستان خونخوار خود را بجای جیش العدل، مبارزان بلوچ برای آزادی ایران مینامیدند تا به جای تنها یک گروه از مسلمانان اهل سنت، همه ایرانیان با هر اندیشه‌ای با جان و دل از آنان پشتیبانی میکردند.

پاینده ایران

کیا کیامهر

۱۴ نوامبر ۲۰۱۳